

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی

ندا سیدین

دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عبدالرضا ادیمی^۱

دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

طلیعه خادمیان

استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

چکیده

در ادبیات جامعه‌شناختی غالباً از بی‌تفاوتی به عنوان پدیده‌ای آسیب‌شناختی، نوعی بیماری اجتماعی، مانعی در راه مشارکت و توسعه و از عوارض شهرنشینی در عصر جدید یاد می‌شود و یکی از عناصر نامطلوب زندگی مدرن است که به نوعی تهدیدی است که به تمایل افراد به عدم دخالت در امور و پذیرش مسئولیت اشاره می‌نماید. هدف این پژوهش تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی است. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و تهران شمال می‌باشد که در زمان انجام پژوهش جامعه آماری کل برابر ۸۵۰۰۰ دانشجو مشغول به تحصیل در این دو واحد دانشگاهی بودند که تعداد ۳۸۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده مورد مطالعه قرار گرفتند. روش مورد استفاده پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و چندگانه، آزمون تفاوت میانگین مستقل T-Test و آزمون تحلیل واریانس یکطرفه آنوا استفاده شد. برای سنجش متغیر بی‌هنجاری چهار بُعد در نظر گرفته شد و یافته‌های حاصل نشان داد که بین متغیر بی‌معنایی ($T=0/267$)، بی‌اعتمادی ($T=0/245$)، بی‌قدرتی ($T=0/397$) و فردگرایی ($T=0/265$) با بی‌تفاوتی اجتماعی همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد. عبارت دیگر، هرچه بی‌هنجاری اجتماعی بالاتر باشد، بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان افزایش خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: بی‌هنجاری، بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی اجتماعی، فردگرایی

^۱ نویسنده مسئول: adhamiab@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائل و مشکلاتی که نشأت گرفته از صنعتی شدن جوامع و تغییرات سریع در روابط اجتماعی مردم به خصوص در محیط‌های شهری به وجود آمده و طیف وسیعی از افراد را درگیر کرده است، سرد شدن روابط اجتماعی و بی‌تفاوتی است. در تعریف جامعه‌شناختی مفهوم بی‌تفاوتی را برخی در مقابل مفهوم نوع‌دوستی قرار داده‌اند. و برخی دیگر آن را مقابل مفهوم مشارکت و درگیری قرار می‌دهند (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۷). کنش همگانی، عملی است در مقابل بی‌تفاوتی اجتماعی - سیاسی که فضای جامعه را به سوی نوعی انفعال و پذیرندگی صرف می‌کشاند. آنچه که غالباً با تعبیر «متافیزیک حضور» در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی از آن یاد می‌شود، به معنای وضعیتی است که در آن فرد به دلیل رشد و تعالی آگاهی، حضور خود را در عرصه‌های اجتماعی با کنش ورزی فکری و عملی نشان دهد و حتی علیرغم جهت‌گیری اکثری، توان نه گفتن را به مثابه یک حق داشته باشد. اصطلاح «اکثریت خاموش» اشاره به مردمی دارد که نسبت به مسائل جامعه خود بی‌تفاوت و بی‌اعتنا هستند. در واقع از جمله مهم‌ترین شروط تحقق مطالبات مردم در جامعه، محتوایی از غنای فرهنگ عمومی است که در آن انفعال و بی‌تفاوتی، به مشارکت و سهمین شدن در سرنوشت خود به مثابه یک ارزش و باور اجتماعی - سیاسی تبدیل شده باشد (صدقاتی فرد، ۱۳۹۲: ۶).

وقتی در محوطه دانشگاه به جمع دانشجویان دقت کنیم کلمه ^۱Apply را زیاد می‌شنویم بخصوص از کسانی که نخبه به شمار می‌آیند وقتی بیشتر دقت کنیم متوجه می‌شویم که اکثراً به دنبال گرفتن پذیرش از دانشگاه‌های خارج از کشور هستند و در این باره گفتگو می‌کنند. فرار مغزها از کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی می‌تواند عوامل متعددی داشته باشد اما آنچه در این باره مورد توجه قرار گرفته دو عامل سیاسی و اقتصادی بوده است بدین معنا که در کشورهای در حال توسعه اغلب نوعی اختناق حکمفرماست که برای تحصیل کردگان و روشنفکران تحمل این وضع تا حدی غیرممکن است و یا به تعبیر دورکیم نوعی شرایط آنومیک یا نابسامانی وضعیتی که هنجارهای اجتماعی و

^۱ - پذیرش

دستورالعمل‌های اخلاقی قبلی، از کارایی لازم در هدایت کردن رفتار اجتماعی برخوردار نیستند و هنوز با هنجارهای کارآمد جدیدی جایگزین نشده‌اند طبیعی است که در چنین شرایطی روابط اجتماعی دچار آسیب می‌شوند و بی‌تفاوتی اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق آن خودنمایی می‌کند. در فرهنگ غیرصنعتی، آموزش به مفهوم مدرن آن جایی ندارد، سرمایه‌گذاری تحقیقاتی بیشتر حالت لوکس‌گرایی دارد. از تحقیقات انتظارات سریع و خلق‌الساعه می‌رود و اتلاف نیرو به صورت ترک کشور یا ماندن و تلف شدن بسیار است (نراقی، ۱۳۹۴: ۲۰۶).

و همین‌طور مشاهده شده است که دانشجویان نسبت به اتفاقات و مسائل مهمی که اطرافشان می‌افتد بی‌تفاوت از کنارش رد می‌شوند و شاید مشاهده برخی وقایع از سوی دانشجویان باعث تشدید و شیوع هر چه بیشتر این بی‌تفاوتی اجتماعی باشد که از جمله می‌توان به مشاهده حضور کم‌رنگ و ضعیف دانشجویان در فعالیت‌های فرهنگی و یا هنری که از سوی دانشگاه ترتیب داده می‌شود. کم‌توجهی و دلسوزی کم‌بعضی از مسئولان و استادان نسبت به دانشجو و کسب موفقیت علمی آنان، کم‌توجهی نسبت به کارهای پژوهشی در دانشگاه، رعایت اندک مقررات، عدم حضور به موقع بعضی از استادان و دانشجویان سر کلاس‌ها، محروم ماندن دانشجویان از کمترین امکانات کمک هزینه تحصیلی و خوابگاهی، تبعیض و بی‌عدالتی بعضی از استادان نسبت به ارزیابی علمی دانشجویان و انواع مسائل دیگر،... اشاره کرد که ممکن است مشاهده این موارد ذکر شده باعث ایجاد این طرز فکر در دانشجو شود که آنها ارزشی برای دیگران، دانشگاه و یا جامعه ندارند که این امر در بین دانشجویان دانشگاه آزاد بدلیل پرداخت شهریه باعث بوجود آمدن این فکر می‌شود که دانشگاه تبدیل به یک موسسه مالی شده است تا یک موسسه آموزشی، و دانشجویان به نوعی دچار پوچ‌گرایی می‌شوند و از وظایفی که نسبت به جامعه دارند شانه خالی می‌کنند، در هر حال اگر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین قشر آگاه و دانشجو به عنوان آینده‌سازان جامعه گسترش یابد، ممکن است که جامعه را با مسائلی همراه سازد که باعث از دست رفتن نظم و انسجام اجتماعی خود آن جامعه شده و معضلی اجتماعی بیار آورد که عملاً قابل جبران نخواهد بود. با توجه به اهمیت مشارکت در سطح جامعه، در این پژوهش کوشش شده است که دلایل بی‌تفاوتی دانشجویان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و ضمن آن به این پرسش‌ها نیز پاسخ داده شود که: آیا دانشجویان و قشر تحصیل‌کرده نسبت به شرکت کردن در امور شهر و

جامعه خود بی تفاوت شده‌اند و اگر شده‌اند چرا و به چه میزان؟ آیا عواملی همچون بی‌قدرتی، بی‌اعتمادی، بی‌معنایی، و فردگرایی باعث شده است که قشر تحصیل کرده خصوصاً دانشجویان را نسبت به مسائل جامعه بی‌تفاوت و بی‌اعتنا کند؟

هدف کلی این پژوهش شناخت تاثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان در دو واحد دانشگاهی است.

اهداف ویژه به شرح زیر می باشد:

شناخت تاثیر بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

شناخت تاثیر بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

شناخت تاثیر بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

شناخت تاثیر فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

شناخت تاثیر متغیرهای جمعیتی (جنسیت، وضعیت تاهل، سطح درآمد) بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

ادهمی، صفاریان و مرادی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بی‌تفاوتی (مورد مطالعه؛ جوانان شهر کرمانشاه)» به این نتیجه رسیدند که میزان محرومیت نسبی، فردگرایی و امید به آینده با بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان ارتباط معناداری دارند. ولی متغیرهایی زمینه‌ای مانند سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت شغلی، قومیت، محل سکونت، محل تولد، مدت زمان سکونت بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تأثیر معناداری نداشتند. عنبری و غلامیان (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی» به این نتایج دست پیدا کردند که افراد با بی‌تفاوتی بالاتر، در مقایسه با دیگران، جامعه را بی‌هنجارتر و قانون‌گریزتر دیده‌اند و هر چه اعتماد به جامعه بیشتر باشد افراد نسبت به مسائل اجتماعی حساسیت بیشتری دارند. یعنی بی‌اعتمادی و نارضایتی خود به مثابه شاخصی همگرا با بی‌تفاوتی عمل کرده‌اند. ظهیری‌نیا، گلابی و هدایت ایوریق (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی» که یافته‌ها نشان داد؛ میان متغیرهای سن، گروه تحصیلی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود

دارد. همچنین متغیرهای؛ بیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، محرومیت نسبی، تحلیل هزینه - پاداش و ادراک عدالت با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی دار دارند. تاج‌الدینی (۱۳۹۳)، عنوان تحقیق «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه؛ منطقه ۱۳ شهر اصفهان)» نتایج به دست آمده بیانگر رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل (اعتماد نهادی، رضایت اجتماعی، امنیت اجتماعی و مدت زمان سکونت) با مشارکت است. در حالی که برطبق یافته‌های پژوهش بین متغیرهای مستقل و پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نوع مالکیت با مشارکت تفاوت معناداری وجود ندارد. الگوی نهایی نشان داده که بیشتر از همه، متغیر مستقل اعتماد نهادی در مشارکت اجتماعی موثر است. صدقاتی‌فرد و محسنی‌تبریزی (۱۳۹۰)، پژوهشی انجام دادند با عنوان «مطالعه بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، و به این نتایج دست پیدا کردند که میان متغیرهای قومیت، شغل، و تحصیلات از صفات زمینه‌ای تفاوت مشاهده شد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی یعنی؛ بی‌هنجاری (آنومی)، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش و التزام مدنی رابطه معنی داری بدست آمد.

جسیکا و لیندسی^۱ (۲۰۱۸)، در مطالعه ای تحت عنوان انزوای اجتماعی و تنهایی دو متغیر سن و محل سکونت را با انزوای اجتماعی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که انزوای اجتماعی و تنهایی در میان بزرگسالان مسن تر در ایالات متحده با پیامدهای گسترده و خطر مرگ و میر به همراه است نتایج کمی این تحقیق نشان داد که بزرگسالان آمریکایی کسانی که دارای وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالاتری بودند کسانی که تنها زندگی نمی کردند و آنهایی که به مرکز شهر نزدیک تر بودند احتمال کمتری داشتند که احساس منزوی بودن و تنهایی کنند. بوژن و مارلو^۲ (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای با عنوان گفت‌وگو پناهندگی در نیوزیلند: هراس اخلاقی و فرهنگ بی‌تفاوتی نشان دادند که قانون جدید تغییر در نیوزیلند اجازه بازداشت «ورود جمعی» پناهندگان را منعکس می‌کند در مورد لفاظی‌های بین المللی و خط مشی‌های مرتبط با آن در استرالیا و انگلیس نسبت به افرادی که به دنبال پناهندگی هستند.

¹ Jessica and Lindsay

² Bogen, & Marlowe

اگرچه نیوزیلند عمومی (هنوز) به یک «ترس اخلاقی» که بین زمینه‌ها متداول است، رسیده است، نگرانی‌ها در مورد «بی تفاوتی» در رابطه با پناهندگان وجود دارد. سرفراز و احمد^۱ (۲۰۱۲)، در یک تحقیق با عنوان «دلایل گرایش سیاسی و بی تفاوتی در میان دانشجویان» که یک مطالعه‌ی کیفی بود و یافته‌ها حاکی از آن بود افرادی که بی تفاوت بودند بیشتر یک نقطه نظر بدبین نسبت به سیاست داشتند و در نتیجه احساس درماندگی آموخته شده ایجاد شده بود و اعتقاد بر این داشتند که بدون توجه به آنچه انجام می‌دهند تمام تلاش خود را بی ثمر می‌دیدند. وایت دین^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی رابطه میان بیگانگی و بی تفاوتی جامعه می‌پردازد. وی بیگانگی را با توجه به برخی متغیرهای مورد نظر سیمن مورد بررسی قرار می‌دهد. فرضیه‌های این تحقیق شامل روابط مثبت میان بی قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و بی تفاوتی سیاسی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد که در پایان محقق به این نتیجه دست یافت که رابطه معنادار میان بی تفاوتی سیاسی و بیگانگی وجود دارد. اینگلهارت (۲۰۰۵) که نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در غرب مطالعه کرده است، افزایش مشارکت در مغرب زمین را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم و مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تاکید کمتری بر نیازهای آنی طبیعی داشته و بر حق ابراز نظر تاکید بیشتری می‌ورزد، مورد تبیین قرار داده است بنظر وی متغیرهای تحصیلات رسمی، موفقیت اجتماعی - اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات مهارت‌های ارتباطی تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تاثیر گذاشته‌اند. زانگ و چن (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان بی تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن عوامل مؤثر بر آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها در این تحقیق متغیرهای زمینه‌ای را (نظیر سن، سطح تحصیلات، درآمد) در کنار شاخص‌های دیگری نظیر موقعیت اجتماعی افراد از نظر شغلی، وابستگی حزبی افراد، احساس اثربخشی، رضایت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و بی تفاوتی سیاسی را به عنوان متغیر وابسته مورد استفاده قرار داده‌اند. نتایج تحقیق مذکور حکایت از این دارد که بین شاخص‌های مورد استفاده

¹ Sarfaraz, Ayesha, ahmed, shahla

² -Dwight Dean

به عنوان متغیر مستقل و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، به این مفهوم که احساس اثربخشی در بین افراد، رضایت اجتماعی آنها و متغیرهای زمینه‌ای نظیر شغل، سن افراد و... از عواملی هستند که میزان بی‌تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

مارتین لیپست^۱ (۱۹۶۳) با پژوهش در کشورهای مختلف به ویژگی‌های اجتماعی افرادی که مشارکت بیشتری دارند، پرداخته است؛ این ویژگی‌ها عبارتند از: منزلت اجتماعی بالا، متعهد بودن، درآمد بالا، تحصیلات عالی و غیره؛ عبارتی، لیپست در مطالعه خود از حوزه مشارکت و عوامل مرتبط با آن درباره کشورهای غربی، دریافت که مردان بیشتر از زنان، تحصیل کرده‌ها بیشتر از بیسوادان، متاهلان بیشتر از مجردان و ساکنان قدیمی محله بیشتر از تازه‌واردان، شهرنشینان بیشتر از حاشیه‌نشینان مشارکت داشته‌اند. از نکات قوت پژوهش‌های خارجی و داخلی یاد شده جمع‌آوری اطلاعات موضوعی و مقیاس‌های اندازه‌گیری آنهاست که بسترهای مناسب و مفیدی را برای اجرای بهتر تحقیق آشکار می‌سازند. اما از نکات ضعف پیشینه‌های تجربی این است که اکثر پژوهش‌ها به بی‌تفاوتی فقط از بعد سیاسی توجه کرده‌اند. به طور کلی درباره مطالعات مطرح شده در این بخش می‌توان گفت که هیچ‌یک از این مطالعات، چه داخلی و چه خارجی، به صورت مستقیم به بحث در زمینه بی‌تفاوتی و رابطه آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی نپرداخته است. به همین منظور بی‌تفاوتی اجتماعی را براساس ابعادی سنجیدیم که در تحقیقات مشابه قبلی سنجیده نشده و یا با هدفی که ما در این پژوهش داشتیم در نظر گرفته نشده بود. و متغیرهای که در این پژوهش به کار برده شده به نوعی بیانگر نوآوری آن است. از طرفی بی‌تفاوتی مدنی از جمله مفاهیمی است که در مطالعات تجربی و میدانی، به ویژه در رشته جامعه‌شناسی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این کاستی در عرصه تحقیقات، به ویژه در داخل ایران، به وضوح قابل پیگیری است. بر همین اساس، در این تحقیق در نظر داریم که این مفهوم را از زاویه‌ای جدید و با دیدی نو مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

^۱ - Lipset

از دیدگاه وبر دیوان‌سالاری (بوروکراسی) نگرش بیگانه و انسانیت‌زدایی شده‌ای را بوجود می‌آورد که افراد در این نظام به چرخ‌دنده‌های کوچک ماشین تبدیل می‌شوند و حس فردیت، خلاقیت، آزادی خود را از دست می‌دهند و این از یک منظر نوعی بی‌تفاوتی را در جامعه تداعی می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲). لوکچ در نظریه شی‌شدگی بیان می‌کند که دنیای اجتماعی نیز مانند دنیای طبیعی به مثابه دنیایی از اشیا پدیدار می‌شود و فرایندی که در بت‌شدگی کالا و شی‌شدگی عمل می‌کند باعث شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی خارجی می‌شود که انسان‌ها را به عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی تبدیل می‌کند (کرایب، ۱۳۹۳: ۲۶۵). به نظر ساسول، هر چقدر افراد از نظر میزان احساس عدم اثربخشی و بدبینی نسبت به چیزی یا کسی در سطح بالایی باشند، در این صورت زمینه برای بسترسازی بیگانگی افراد و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی فراهم خواهد آمد و هر چقدر اعتماد اجتماعی که لازمه آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل می‌باشد کاهش یافته و افراد مشارکت کمتری در روابط اجتماعی خواهند (ساسول، ۲۰۰۳: ۱۰۱). مرتن بی‌تفاوتی اجتماعی را معادل با کناره‌گیری افراد دانسته و آن را به این صورت تعریف می‌کند که: بی‌تفاوتی اجتماعی یعنی نفی هر دو طرف طیف (اهداف و شیوه‌های نهادی شده) توسط افراد جامعه. زمانی که هم اهداف و هم شیوه‌های نهادی شده در جامعه مورد قبول افراد جامعه نباشد در این صورت بی‌تفاوتی اجتماعی رخ می‌دهد (مرتن به نقل از نادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶). راجرز در فرهنگ دهقانی خود بیان می‌کند که عواملی مانند عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی، عدم توجه به عنصر زمان، خانواده‌گرایی و وابستگی به قدرت دولت و فقدان همدلی سبب عدم مشارکت و تعاون در امور اجتماعی می‌گردد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۲۹).

در راستای بی‌تفاوتی اجتماعی زیمل به خصلت زندگی شهری نوین در پدید آوردن بی‌تفاوتی توجه دارد. زیمل بر این باور است که شاید هیچ پدیده روانی به اندازه «نگرش از روی بی‌اعتنایی» آنچنان بی‌قید و شرط، مختص شهر نباشد. درست همانطور که زندگی بیش از حد احساسی، شخص را بی‌اعتنا می‌کند زیرا اعصاب را تا نهایت واکنش‌پذیری‌شان تحریک می‌کند تا آن که سرانجام دیگر نتوانند اصلاً هیچ واکنشی تولید کنند؛ همانطور هم محرک‌هایی که کمتر مضر هستند، به واسطه سرعت و در تضاد بودن انتقال‌شان، اعصاب را به واکنش‌هایی شدیداً خشونت‌بار مجبور می‌کنند و آنها را آنچنان بیرحمانه ویران

می‌کنند که آخرین ذخایر نیروی‌شان را تمام کنند و اگر در همان محیط باقی ماندند، برای ساختن ذخایر جدید، وقت نداشته باشند. این ناتوانی به واکنش نشان دادن به محرکات جدید، نگرش از روی بی‌اعتنایی را می‌سازد که هر کودک متعلق به شهر بزرگ، هنگامی که با تولیدات محیط صلح‌آمیزتر و با ثبات‌تر مقایسه شود، از خود بروز می‌دهد. به تعبیر زیمل شهر محرک عصبی را تشدید می‌کند و شهرنشینی فرد را مجبور می‌کند که از پیوندهای عاطفی با گروه‌های نخستین (خانواده و گروه همسالان) جدا و به عضویت جدید در آید که گروه دومین نام دارد. گروه دومین در شهرها، شهرنشین را به خودداری و به ایستار بیزاری سوق می‌دهد. گسترش دایره روابط اجتماعی و این ایستار خودداری باعث می‌شود فرجه آزادی‌های شخصی شهرنشین افزایش یابد و این همان حسی است که او را به بیزاری و به کارهای عجیب و غریب سوق می‌دهد (زیمل به نقل از ادهمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۰). زیمل معتقد است مردم در شهر با یکدیگر غریبه‌اند. هرکسی مجبور است در مجاورت غریبه‌ها زندگی کند و به این ترتیب تفاوت‌های پوششی، گویشی، رفتاری و تفکرات با طیف گسترده‌ای حاکم خواهند بود. افراد نامنطبق با زندگی گروهی و انسانی، خود را برای زندگی شهری مناسب‌تر می‌دانند چرا که در زندگی روستایی افراد از تفکرات و عادات دیگران مطلع هستند و نوعی قضاوت اجتماعی شکل می‌گیرد و عملکرد خصوصی افراد تحت نظارت اجتماعی واقع می‌شود. البته در شهر هر فردی با افراد، رویدادها و تغییرات بیشتری روبرو است. او می‌گوید: پیچیدگی زندگی مدرن و حساسیت ناشی از آن، فرد را وامی‌دارد که جز مقدار قابل‌کنترلی از انگیزش فکری و حسی، راه ورود همه چیز دیگر را ببندد. دستگاه روانی انسان از نقطه معینی به بعد به انگیزش جواب نمی‌دهد و بدین سان نمونه‌ای از حالت غریبگی و بی‌اعتنایی از سرسیری را نشان می‌دهد که ویژگی زندگی مدرن است. به وجد آمدن از هرگونه تمایزی به بی‌تفاوتی نسبت به تمایزها تبدیل می‌شود و پس از احساس شیفتگی و درگیری که در آغاز وجود داشته، نوعی یکنواختی بر شهر حاکم می‌شود. زیمل معتقد بود هرگاه یک گروه دونفره، سه نفر شود، تحول جامعه‌شناسی تعیین‌کننده‌ای رخ می‌دهد. امکانات اجتماعی تازه‌ای در این گروه شکل می‌گیرد. برای مثال در گروه جدید یکی از اعضا می‌تواند در اختلافات میان دو نفر دیگر نقش داور یا میانجی را ایفا کند و یا دو نفر از سه نفر می‌توانند علیه عضو سوم همدست شوند و بر او تسلط یابند. این قضیه در ابعاد کوچک

همان رویدادی را نشان می‌دهد که ممکن است با پیدایی ساختارهای بزرگ شهری اتفاق افتد به صورتی که این ساختارها از افراد جدا گردند و بر آنها تسلط یابند (زیمل، ۱۳۹۷: ۷۷). زیمل از شکل‌گیری نگرش بلازه^۱ در زندگی شهری یاد می‌کند یعنی حالت بی‌تفاوتی که زمانی پدید می‌آید که اعصاب آن قدر مورد تهاجم محرک‌های متناقض قرار گرفته باشد که به سرحد تحریک‌پذیری برسد و دیگر توانایی پاسخ دادن را نداشته باشد کسی که دچار بلازه می‌شود نسبت به تمایز میان چیزها بی‌تفاوت می‌شود و اولویتی برایش ندارد. این ذهنیت در چهارچوب اقتصاد پولی شکل می‌گیرد چون پول وارد تمام ابعاد زندگی می‌شود و همه تفاوت‌ها با پول سنجیده می‌شود، درون همه چیز خالی می‌شود و ویژگی و بی‌همتا بودن بی‌معنا می‌گردد (زیمل به نقل از ممتاز، ۱۳۷۹: ۳۵). بعبارت دیگر از دیدگاه زیمل چنین بستری به گذار تاسف برانگیزی اشاره می‌کند که در آن شخصیت افراد ظرفی تهی از بیهودگی فروکاسته می‌شود و نزدیکی فیزیکی، به فاصله اجتماعی مبدل می‌شود و فرد در جمعیت‌های کلان شهری، گمنام‌تر از هر جای دیگر است (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲: ۲۶). در اثر بزرگ زیمل تحت عنوان "فلسفه پول"، نقش دوگانه اقتصاد پولی برجسته می‌گردد؛ اقتصاد پولی با برانگیختن گرایش انسان برای تجرید کردن، توسعه توانایی‌های فکری را به زیان تأثیرپذیری فراهم می‌آورد لیکن همزمان با این مسئله بی‌شخصیتی روابط انسانی را سبب می‌گردد. بعبارتی پول وسیله هم طراز کردن و سنجیدن و تبدیل کیفیت به کمیت خواهد بود. زیمل می‌گوید استقلال از پیوندهای عاطفی که با پول آغاز می‌شود درعین حال به گونه‌ای ناسازگانه به نوعی وابستگی به دیگران می‌انجامد. زیرا پول یگانه امکان اتحاد مردم و درهمان حال حذف هر چیز شخصی را در اختیار ما گذاشته است. پول به عنوان وسیله آزادی به شخصیت‌زدایی می‌انجامد زیرا گرایش آن به جدایی انسان‌ها از روابط عاطفی عمیق است (ریترز، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

از دیدگاه سیمن، احساس بی‌هنجاری^۲ به حالتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ یعنی شخص احساس تنهایی می‌کند و می‌خواهد از دیگران

^۱ -blase Outlook

^۲ - Normlessness

کناره‌گیری کند. فردی که از جامعه کناره‌گیری می‌کند یا به اصطلاح می‌گریزد، بدین معناست که به شیوه‌های کارکردی جامعه اعتقادی ندارد و چون نمی‌تواند این روابط و هدف‌ها را نفی کند کناره‌گیری اختیار می‌کند. ممکن است فرد، این حالت انفعالی را به همه چیز تعمیم دهد و همه هدف‌های زندگی اجتماعی خویش را رها کرده، در لاک خود فرو می‌رود (سیمن به نقل از ستوده، ۱۳۸۰: ۲۴۵).

از نظر دورکیم بی‌هنجاری در دو سطح قابل تمیز است:

۱) بی‌هنجاری در سطح فردی؛ نشانگر حالتی فکری است که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود. چنین حالتی همراه با اختلافات و نابسامانی‌هایی در سطح فردی است و فرد نوعی احساس ناهنجاری، پوچی و بی‌قدرتی را تجربه می‌کند. ۲) بی‌هنجاری در سطح اجتماعی؛ نشانگر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است. در چنین وضعیتی هنجارهای اجتماعی از بین رفته یا در تضاد و ستیز قرار می‌گیرند و افراد به‌سختی می‌توانند بین آرزوهای خود و انتظارات متناقض جامعه، سازگاری پدید آورند و در نهایت ممکن است به رفتارهای نابهنجاری دست‌زده و خود را از عضویت در جامعه برکنار دارند (دورکیم به نقل از ستوده، ۱۳۸۰: ۴۰). از نظر مرتن هم آنومی تنها به معنای فقدان هنجارها نیست بلکه ابهام و تعارض هنجارها را نیز دربر می‌گیرد و زمانیست که ابزار، امکانات و فرصت‌های لازم در به‌دست آوردن موفقیت مادی به‌طور کافی و مساوی در بین جمعیت توزیع نشده و مردم در جامعه از منابع یکسان خانوادگی، دستیابی به فرصت‌های آموزش و ارتباطات برخوردار نیستند. بنابراین مرتن بی‌هنجاری را برای نشان دادن اختلاف بین هدف مورد تایید جامعه و دسترسی به وسایل حصول به آن بکار می‌برد (مرتن به نقل از چلیبی، ۱۳۷۵: ۱۱۹).

فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر هستند:

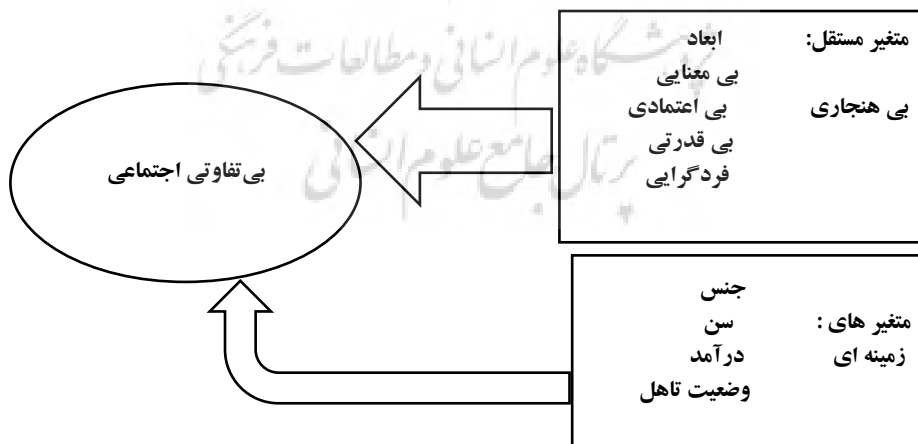
- ۱- به نظر می‌رسد بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
- ۲- به نظر می‌رسد بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
- ۳- به نظر می‌رسد بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.
- ۴- به نظر می‌رسد فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

۴- به نظر می‌رسد متغیرهای زمینه‌ای همچون: سن، جنسیت، سطح درآمد، وضعیت تاهل بر بی تفاوتی اجتماعی موثر است.

جدول (۱) چارچوب نظری و فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ها	شرح نظریه	نظریه
بی‌معنایی بر بی تفاوتی اجتماعی موثر است.	عمده مفهوم بیگانگی را می‌توان با عنوان بی‌معنایی تعریف کرد؛ در این حالت، فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد بنابراین دچار ابهام و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد و هر چقدر بی‌معنایی در افراد بیشتر شود بی تفاوتی و بیگانگی در افراد افزایش می‌یابد (قتباس از سیمین، ۱۹۵۹).	سیمین
بی‌اعتمادی بر بی تفاوتی اجتماعی موثر است.	هرگاه در موقعیتهای اجتماعی کتشیهای اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری بیشتر و انسجام با دیگران میانجامد. در این کتשהا مسئولیت، وفاداری و اعتماد به حداعلی خود میرسد و در غیر این صورت فرد نسبت به جامعه و هنجارهای موجود بی‌اعتماد می‌شود و از فعالیت‌های اجتماعی کناره‌گیری می‌کند بدین معنا که با کاهش اعتماد بی تفاوتی افراد بیشتر می‌شود (به نقل از توسلی، ۱۳۸۲).	پارسونز
بی قدرتی بر بی تفاوتی اجتماعی موثر است	هر چقدر افراد از نظر میزان احساس عدم اثربخشی و بدبینی نسبت به چیزی یا کسی در سطح بالایی باشند، در این صورت زمینه برای بسترسازی بیگانگی افراد و بی تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی فراهم خواهد آمد.	ساسول
فردگرایی بر بی تفاوتی اجتماعی موثر است	زیمل معتقد است پول که انسان‌ها را با جدا کردن از یکدیگر متحد می‌کند، مایه «سردی» روابط اجتماعی است. در روابط پولی تعلقات عاطفی خنثی شده هستند. اشخاص دور هم جمع می‌شوند ولی هویت شان را نیز حفظ می‌کنند (زیمل، ۱۳۹۷: ۵۶۰).	زیمل

مدل نظری تحقیق



روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر، شناخت بی‌هنجاری و تاثیر آن بر بی‌تفاوتی اجتماعی است. در این زمینه، پس از بسط فضای مفهومی موضوع، از رویکردهای نظری سیمن، پارسونز، زیمل، ساسول و همچنین مرتن و دورکیم در زمینه آنومی استفاده شد، که روش پژوهش، پیمایش و تکنیک مورد استفاده پرسشنامه است که با توجه به متغیرهای مورد نظر و معرف‌های مربوط به آن از آزمون‌های سنجش نگرش از طریق طیف لیکرت استفاده شد. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال و تهران مرکز می‌باشند. برای نمونه‌گیری از جامعه آماری در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده گردید بدین صورت که ابتدا سهم گروه‌های مختلف مانند رشته‌ها، مقاطع تحصیلی، واحد دانشگاهی و جنسیت از جامعه آماری مشخص شد و به همان نسبت در نمونه به آنها سهم اختصاص داده شد سپس به روش تصادفی از بین طبقات نمونه‌گیری صورت گرفت (به علت تنوع زیاد رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی در دو واحد دانشگاهی رشته‌ها به پنج گروه کلی تقسیم شدند). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ انجام شده است به طوری که برای توصیف متغیرهای توصیفی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شده است و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و چندگانه، آزمون تفاوت میانگین مستقل T-Test و آزمون تحلیل واریانس یکطرفه آنوا استفاده شده است.

یکی از معیارهای درستی اندازه‌گیری مفاهیم، اعتبار معرف‌ها و پایایی آنهاست. برای برآورد اعتبار تجربی معرف‌ها، یکی از شیوه‌ها داوری اجتماع علمی است که در این تحقیق برای افزایش اعتبار محتوای پرسشنامه از موارد ذیل استفاده گردید:

- استفاده از نظرات استاد راهنما و استاد مشاور و کارشناسان پژوهشی
- مطالعه پرسشنامه‌های مشابه (استفاده از پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی در پژوهش‌های مشابه)، مقالات.

پایایی ناظر بر ویژگی تکرارپذیری و ثبات در نتایج تحقیق در صورت تکرار آن است در حقیقت پایایی دلالت بر دقت اندازه‌گیری دارد. جهت برآورد پایایی، روش‌های مختلفی وجود دارد. روش

آلفای کرونباخ، یکی از روش‌های تحلیل پایایی است این روش برای بررسی سازگاری درونی سوالات پرسشنامه به کار می‌رود. هر چه سوالات و گویه‌های یک مقیاس اندازه‌گیری (مانند لیکرت) با هم سازگارتر باشند آن مقیاس پایاتر است (اقتباس از نوروزی، ۱۳۹۲: ۴۵۷-۴۵۵). در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری پایایی ابزار اندازه‌گیری از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای تحقیق همگی بیش از ۰/۷ بود. بنابراین با استناد به جدول (۲) و میزان آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مورد بررسی باید اذعان داشت که میزان آلفا در مورد شاخص‌های مورد بررسی که بالاتر از ۰/۷ است نمایانگر پایایی آنها می‌باشد. برای سنجش پایایی از قابلیت‌های نرم افزار SPSS استفاده شده است.

جدول (۲) پایایی سوالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی

مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها	متغیر
۰/۸۴۴	۶	بی معنایی
۰/۸۸۴	۶	بی اعتمادی
۰/۸۷۰	۵	بی قدرتی
۰/۸۶۱	۵	فردگرایی
۰/۸۵۳	۱۵	بی تفاوتی اجتماعی

یافته‌های تحقیق

الف- یافته‌های توصیفی

جدول (۳)، مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی تحقیق (دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و تهران شمال) است.

جدول (۳) توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	درصد
جنسیت	زنان	۲۱۰	۵۵/۳
	مردان	۱۷۰	۴۴/۷
	کل	۳۸۰	۱۰۰
وضعیت تأهل	متأهل	۲۲۶	۵۹/۴۷
	مجرد	۱۵۴	۴۰/۵۳
	کل	۳۸۰	۱۰۰
سطح درآمد	کمتر از ۱ میلیون	۳۳	۸/۶۸
	۱ تا ۲ میلیون	۷۰	۱۸/۴۲
	۲ تا ۵ میلیون	۱۱۲	۲۹/۴۷
	۵ تا ۱۰ میلیون	۱۲۳	۳۲/۳۷
	بیشتر از ۱۰ میلیون	۴۲	۱۱/۰۵
	کل	۳۸۰	۱۰۰
سن دانشجویان			
میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۳۲/۷۷	۷/۷۰۶	۲۰	۴۹

براساس اطلاعات جدول (۴) ملاحظه می‌گردد که نمره میانگین محاسبه شده برای ابعاد بی‌معنایی و بی‌اعتمادی بزرگتر از میانگین نظری بوده ولی بُعد فردگرایی و بی‌قدرتی خیلی نزدیک به میانگین نظری بدست آمده است. در رابطه با وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان نیز می‌توان گفت که نمره میانگین محاسبه شده بزرگتر از میانگین نظری بوده است.

جدول (۴) توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	میانگین نظری
بی‌معنایی	۲۱/۹۱	۴/۳۶۶	-۰/۶۸۵	۸	۳۰	۱۸
بی‌اعتمادی	۲۳/۶۲	۳/۹۹۷	-۰/۷۲۷	۹	۳۰	۱۸
بی‌قدرتی	۱۴/۸۸	۴/۳۳۳	۰/۲۵۰	۷	۲۵	۱۵
فردگرایی	۱۵/۶۰	۴/۰۴۵	-۰/۰۱۳	۷	۲۴	۱۶
بی‌تفاوتی	۴۷/۹۰	۱۰/۷۳۱	۰/۳۱۵	۲۰	۷۳	۴۵

ب- یافته‌های استنباطی

در این تحقیق، به منظور بررسی همبستگی میان متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضرایب محاسبه شده برای این آزمون در جدول (۵) آورده شده است. با توجه به نتایج همبستگی میان متغیرهای تحقیق در این جدول، ملاحظه می‌شود که رابطه مثبت و معناداری بین ابعاد بی‌هنجاری اجتماعی (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌قدرتی، فردگرایی) با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان وجود دارد. عبارت دیگر، هرچه میزان ابعاد بی‌هنجاری اجتماعی بالاتر باشد، بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان افزایش خواهد یافت. بنابراین، فرضیه‌های ۱ تا ۴ تایید می‌شود.

جدول (۵) همبستگی بین بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

بی‌تفاوتی اجتماعی				متغیرها	فرضیه‌ها
r	P	n	r		
۰/۲۶۷	۰/۰۰۰	۳۸۰	۰/۰۷۱	بی‌معنایی	فرضیه اول
۰/۲۴۵	۰/۰۰۰	۳۸۰	۰/۰۶	بی‌اعتمادی	فرضیه دوم
۰/۳۹۷	۰/۰۰۰	۳۸۰	۰/۱۵۸	بی‌قدرتی	فرضیه سوم
۰/۲۶۵	۰/۰۰۰	۳۸۰	۰/۰۷۰	فردگرایی	فرضیه چهارم

فرضیات براساس متغیرهای زمینه‌ای و تاثیر آنها بر متغیر وابسته:

بنظر می‌رسد متغیرهای زمینه‌ای همچون: سن، سطح درآمد، وضعیت تاهل بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است. براساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده جدول (۶) ملاحظه می‌گردد، در رابطه بین سن و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان سطح معنی داری آزمون $p=0/03$ و زیر $0/05$ و مقدار $r=0/107$ و $F=0/12$ $R^2=$ می‌باشد. در نتیجه بین دو متغیر رابطه مستقیم و متوسط معنی داری وجود دارد و از روی سن دانشجویان به میزان ۱ درصد می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش بینی نمود، که البته درصد بسیار ناچیزی است.

تحلیل جامعه شناختی تاثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی ۷۱

جدول (۶) همبستگی بین سن و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

سن				متغیرها
r	P	r	n	
۰/۰۱۲	۰/۰۳۷	۰/۱۰۷	۳۸۰	بی‌تفاوتی اجتماعی

براساس آزمون تفاوت میانگین مستقل t-test و مطابق جدول (۷) ملاحظه می‌گردد؛ میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان براساس جنسیت و وضعیت تأهل شان معنی‌دار نمی‌باشد و سطح معنی‌داری آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ گزارش شده است. بنابراین فرض H_0 تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود.

جدول (۷) مقایسه میزان بی‌تفاوتی اجتماعی براساس جنسیت و وضعیت تأهل دانشجویان

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	T مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
جنسیت	زن	۲۱۰	۴۷/۲۸	۱۰/۲۵	۱/۲۴	۳۷۸	۰/۲۱۵
	مرد	۱۷۰	۴۸/۶۵	۱۱/۲۷			
وضعیت تأهل	متاهل	۲۲۶	۴۸/۳۴	۹/۴۲۳	۰/۹۴۰	۳۷۸	۰/۳۴۸
	مجرد	۱۵۴	۴۷/۲۴	۱۲/۴۰			

برطبق نتایج بدست آمده از جداول که مربوط به متغیرهای زمینه‌ای همچون: سن، جنسیت و وضعیت تأهل می‌باشد ملاحظه گردید که این متغیرها بر بی‌تفاوتی اجتماعی افراد تاثیر معنی‌داری نداشتند لذا از ذکر نتایج آنها در این قسمت صرف‌نظر گردید.

براساس جدول (۸) ملاحظه می‌گردد میزان بی‌تفاوتی در دانشجویان با سطح درآمد کمتر از یک میلیون تومان برابر ۴۳/۳۹ با انحراف استاندارد ۶/۳۸، بین یک تا دو میلیون تومان برابر ۴۲/۹۴ با انحراف استاندارد ۱۴/۸۷، بین دو تا پنج میلیون تومان برابر ۵۰/۴۶ با انحراف استاندارد ۱۰/۱۶، بین پنج تا ده میلیون تومان برابر ۴۸/۴۲ با انحراف استاندارد ۸/۲۷ و بیش از ده میلیون تومان برابر ۵۱/۳۳ با انحراف استاندارد ۹/۳۶ گزارش شده است. مطابق با مقدار $F=۸/۵۷$ آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و سطح معنی‌داری آزمون $P=۰/۰۰۰$ میزان بی‌تفاوتی اجتماعی

دانشجویان براساس سطح درآمدشان متفاوت می‌باشد و دانشجویان با سطح درآمد بیش از ده میلیون بیشترین بی‌تفاوتی اجتماعی و دانشجویان با سطح درآمد بین یک تا ۲ میلیون کمترین بی‌تفاوتی اجتماعی را داشته‌اند.

جدول (۸) مقایسه میزان بی‌تفاوتی اجتماعی براساس سطح درآمد دانشجویان

سطح درآمد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
کمتر از ۱ میلیون	۳۳	۴۳/۳۹	۶/۳۸۸	۸/۵۷	۰/۰۰۰
۱ تا ۲ میلیون	۷۰	۴۲/۹۴	۱۴/۸۷		
۲ تا ۵ میلیون	۱۱۲	۵۰/۴۶	۱۰/۱۶		
۵ تا ۱۰ میلیون	۱۲۳	۴۸/۴۲	۸/۲۷۴		
بیشتر از ۱۰ میلیون	۴۲	۵۱/۳۳	۹/۳۶۶		
کل	۳۸۰	۴۷/۹۰	۱۰/۷۳		

بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان تا چه حد از روی ابعاد متغیر بی‌هنجاری اجتماعی قابل تبیین است؟
 بمنظور تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان از روی مجموع ابعاد بی‌هنجاری اجتماعی، از روش رگرسیون چندمتغیره، به روش گام‌به‌گام^۱ استفاده شد، که براساس نتایج آزمون انجام شده، رابطه معنی‌داری میان متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک مشاهده شد. همانطور که جدول (۹) نشان می‌دهد تحلیل رگرسیون تا یک گام پیش‌رفته است و از بین ابعاد بی‌هنجاری اجتماعی بُعد بی‌قدرتی در مدل رگرسیونی باقیمانده است، که میزان همبستگی آن با متغیر ملاک یا وابسته $R=0/397$ و ضریب تعیین برابر $R^2=0/158$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2(Ad)=0/155$ بدست آمده است. بعبارتی، براساس ضریب تعیین تعدیل شده ۱۵/۵ درصد از تغییرات متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی به وسیله این بُعد از بی‌هنجاری اجتماعی یعنی بُعد بی‌قدرتی تبیین می‌شود. این متغیر مستقل مانده در مدل رگرسیونی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار هست، درحالی‌که میزان خطای سایر متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ درصد است و به همین دلیل وارد معادله رگرسیونی نشده‌اند، همچنین طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده روابط بین متغیرها خطی می‌باشد؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان در برابر تغییر برابر ۷۰/۷۷ با سطح معنی‌داری $p=0/000$ می‌باشد. طبق

^۱ - Stepwise

تحلیل جامعه شناختی تاثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی ۷۳

جدول (۱۰) پیش‌بینی در مورد سهم متغیر مانده در مدل رگرسیونی در تبیین متغیر ملاک بر اساس ضریب بتا، ضریب بتای بی‌قدرتی برابر ۰/۳۹۷ درصد است. لذا سهم و نقش بُعد بی‌قدرتی در تبیین متغیر ملاک بسیار بیشتر از سایر متغیرهاست.

جدول (۹) ضریب همبستگی چندگانه برای پیش‌بینی بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	مقدار F	سطح معنی داری	دورین واتسون
۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۰/۱۵۵	۷۰/۷۷	۰/۰۰۰	۱/۸۵۹

جدول (۱۰) ضرایب متغیرهای رگرسیونی به روش گام‌به‌گام

Sig.	t	ضرایب			متغیرهای مستقل
		ضرایب استاندارد شده	Std. Error	B	
۰/۰۰۰	۱۸/۳۵	--	۱/۸۱۲	۳۳/۲۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۸/۴۱۳	۰/۳۹۷	۰/۱۱۷	۰/۹۸۳	بی‌قدرتی

بحث و نتیجه گیری

بی‌تفاوتی اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که گریبانگیر جامعه ما شده است و این مساله وقتی حادث می‌شود که در بین قشر تحصیل کرده و دانشگاهی دیده شود، بدلیل اهمیت موضوع به بررسی این مساله در بین دانشجویان و از نگاهی متفاوت تر به این مساله پرداختیم. بروز و شیوع چنین پدیده‌ای بویژه آن هم در نسل جوان دانشگاهی می‌تواند هشدار جدی در پدیدآیی مسائل حاد امنیتی درونی و بیرونی باشد. از اینرو بررسی این مسئله در یک منطقه یا شهر می‌تواند به روشن شدن آن کمک کند و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

بر اساس یافته‌های بدست آمده بی‌معنایی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری دارد بطوریکه با افزایش بی‌معنایی در دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها هم افزایش می‌یابد. در تحقیقات پیشین متغیر بی‌معنایی مشخصاً سنجیده نشده است و در غالب یک متغیر پنهان به نوعی آن را سنجیده‌اند به طور مثال ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در غالب تحلیل هزینه و پاداش بی‌معنایی را تعریف کرده‌اند که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که

احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد همچنین محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰) بی‌معنایی را در میزان اثربخشی اجتماعی فرد معنا کرده‌اند که هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از عدم اثربخشی در فرایندهای اجتماعی - سیاسی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی‌تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسائل اجتماعی وجود دارد. مایکلسون با اشاره به اهمیت مردم در مسائل اجتماعی - سیاسی ظهور و بروز بی‌تفاوتی را در سایه نبود احساس اثربخشی در بین مردم عنوان می‌کند. زانگ و چن (۲۰۰۳) احساس اثربخشی در بین افراد را از عواملی دانستند که میزان بی‌تفاوتی اجتماعی مردم شهر پکن را تحت تأثیر قرار داده است و اما در این پژوهش مشخصاً برای اولین بار این متغیر به طور مستقل مورد آزمون قرار داده شد و با توجه به نظرات استفاده شده در چارچوب نظری این پژوهش، می‌توان آن را تبیین نمود.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

یافته‌ها نشان داد که بین متغیر بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و افزایش بی‌اعتمادی باعث افزایش بی‌تفاوتی می‌شود این یافته با نتایج تاج‌الدینی (۱۳۹۳) و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰) همخوانی دارد. و همچنین برای تبیین این فرضیه از نظرات اینگلهارت، پارسونز استفاده شد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

بی‌قدرتی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه مستقیم و معناداری دارد یافته‌ها نشان داد که از روی بی‌قدرتی دانشجویان به میزان ۱۵ درصد می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش‌بینی نمود. این نتیجه با نتایج پژوهش محسنی تبریزی (۱۳۹۰) و وایت‌دین (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. و آمارها نشان داد که این متغیر می‌تواند بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان را تبیین کند.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی تاثیر دارد بطوری که با افزایش فردگرایی بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی افراد افزوده می‌شود. که این نتیجه با نتایج پژوهش ادیمی و همکاران (۱۳۹۹)، رابین و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. همچنین این نتیجه نظریه زیمل، سی‌رایت میلز و ماکس وبر را در خصوص تاثیر فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی تایید می‌کند.

تحلیل جامعه‌شناختی تاثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی ۷۵

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد متغیرهای زمینه‌ای همچون: سن، جنسیت، سطح درآمد، وضعیت تاهل بر بی‌تفاوتی اجتماعی موثر است.

چهار فرضیه فوق که براساس متغیرهای زمینه‌ای تنظیم شده و هدف از تنظیم این فرضیات این بود که بررسی شود آیا متغیرهای زمینه‌ای هم می‌تواند اثرگذار بر بی‌تفاوتی اجتماعی افراد باشد یا خیر؟ چرا که در تمام پژوهش‌های علوم اجتماعی متغیرهای فردی و جمعیت‌شناختی نیز باید مورد سنجش قرار بگیرند زیرا که افراد تحت تاثیر ویژگی‌های فردی، رفتارشان نیز تغییر می‌کند و سنجش این متغیرها در نهایت کمک خواهد کرد که نتایج بهتر و دقیق‌تری در پژوهش حاصل شود و بتوان برای حل مساله پیشنهادات بهتر و کاربردی‌تر ارائه نمود. همچنین، با توجه به نظریه سرمایه‌بورديو که از سه نوع سرمایه نام می‌برد سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میتوان فرضیات زمینه‌ای که بر مبنای سنجش میزان درآمد، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل و سن افراد است را به نظریه بورديو استناد کرد نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، وضعیت تاهل و جنسیت با میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان تاثیر چندانی ندارد و در بین متغیرهای زمینه‌ای تنها سطح درآمد بود که نشان داد با تغییر میزان درآمد میزان بی‌تفاوتی اجتماعی افراد هم تغییر می‌کند.

اولین موردی که باعث شکل‌گیری این پژوهش شد این بود که با توجه به تحقیقی که لیست جامعه‌شناس مطرح آمریکایی در زمینه بی‌تفاوتی اجتماعی انجام داد به این نتیجه رسید که با افزایش سطح تحصیلات میزان بی‌تفاوتی کاهش می‌یابد و همچنین اینگلهارت در پژوهش خود درباره بی‌تفاوتی به این نتیجه رسید که بی‌تفاوتی با تحصیلات رسمی رابطه عکس دارد بدین معنا که با بالا رفتن تحصیلات از میزان بی‌تفاوتی افراد کاسته می‌شود در صورتی که با توجه به مشاهداتمان در ایران دقیقاً برعکس نتایج خارجی را می‌توان دید که افراد با تحصیلات بالاتر بی‌تفاوت‌تر هستند گویی برایشان مهم نیست که چه بر سر دیگران می‌آید و به نوعی بی‌قیدی در افراد نسبت به قوانین، هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و... مشاهده می‌شود. همچنین از دیدگاه وبر دیوان‌سالاری (بوروکراسی) نگرش بیگانه و انسانیت‌زدایی شده‌ای را به وجود می‌آورد وی معتقد بود افراد در این نظام به چرخ‌دنده‌های کوچک ماشین تبدیل می‌شوند وی بروکراتیزه شدن فرایند امور و عقلانی شدن کنش‌ها را موجب تضعیف احساس مسئولیت نسبت به دیگران تحلیل

می‌کند. فردگرایی عبارت است از افکار و عقایدی که بر منافع فردی تأکید دارد این اصطلاح یک دیدگاه اخلاقی، فلسفه سیاسی، ایدئولوژی یا مرام اجتماعی است که بر ارزش اخلاقی فرد تأکید می‌کند. خودخواهی بیش از هر چیز بیانگر میل انسان به برآوردن منافع شخصی خود به هر طریق ممکن است، حتی اگر این امر در تعارض منافع دیگر افراد قرار گیرد. خودخواهی علاقه پرشور و مبالغه آمیز به خود است که فرد را وامیدارد به همه چیز با در نظر داشتن خود فکر کند و خود را به همه ترجیح دهد» و این امر در جامعه در حال گذار امروزی ایران به موازات فروپاشی نظام سنتی، نظام نوین و نهادهای مدنی شکل نگرفته و مردم دچار آنومی یا نابسامانی شده‌اند که این وضعیت بصورت فردگرایی خودخواهانه مشاهده می‌شود.

بیشتر مهاجرت‌ها در ایران به قشر تحصیل کرده، پزشکان و یا افرادی که درآمد بالاتری دارند مربوط می‌شود. در مورد علت مهاجرت پزشکان و قشر تحصیل کرده مباحثی مثل میزان درآمد ناکافی با توجه به افزایش هزینه‌ها و تورم بالا، نبود امکانات و تجهیزات پزشکی کافی و درآمد بسیار خوب در خارج از کشور، فراهم بودن تضمین کافی برای تامین آینده خانواده و داشتن یک زندگی باثبات و غیره مطرح است. و اما در این پژوهش در مورد ابعاد بی‌هنجاری بُعد بی‌قدرتی بیشترین درصد را داشت. در همین رابطه ظهیری نیا و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود اثربخشی اجتماعی را که به تعبیری همان بی‌قدرتی معنا می‌شود از عوامل موثر در میزان بی‌تفاوتی افراد دانستند و اما بی‌قدرتی را می‌توان به نوعی نداشتن امید به آینده، احساس یاس و ناامیدی، احساس مفید نبودن و نداشتن نشاط در بین جوانان هم معنی کرد و یا بنابر نظر ساسول احساس عدم اثربخشی باعث می‌شود که فرد از فعالیت‌های اجتماعی کناره‌گیری کند. نتایجی که در این پژوهش بدست آمد (استناد به نظر ساسول) با نتایج پژوهش ادهمی و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی داشت و همچنین این مساله رابطه مستقیم دارد با نبود اعتماد در جامعه، بنابر نظر پارسونز اعتماد مهمترین مولفه برای همکاری بیشتر و انسجام با دیگران است و در صورت نبود اعتماد فرد از جامعه و فعالیت‌های اجتماعی کناره می‌گیرد و یا با استناد بنظر گیدنز اعتماد شامل سه نوع مولفه است: اعتماد اجتماعی، اعتماد بین مردم و حکام، اعتماد بین مردم و نهادهای اجتماعی. و همین طور بوردیو اعتماد را مهم‌ترین مولفه سرمایه اجتماعی می‌داند و اینکه در ایران در بین قشر تحصیل کرده و دانشجوی و مشخصاً در جامعه آماری

مورد مطالعه ما متأسفانه میزان بی‌اعتمادی در حد بالایی مشاهده شد بخصوص افرادی که نخبه به حساب می‌آیند. عنبری و غلامیان (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود بی‌اعتمادی را از عوامل موثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی افراد دانستند. البته این پژوهش در بین جامعه شهری و دانشجویان و افراد تحصیل کرده انجام گرفته است و شهرنشینی یکی از دلایل شکل‌گیری بی‌تفاوتی در زندگی اجتماعی شهروندان است. و باز این نتیجه مخالف نتایجی بود که محققان خارجی مشخصاً لیست، جسیکا و لیندسی، بدست آوردند که اینان به این نتیجه رسیدند که افرادی که به مرکز شهر نزدیک ترند و یا شهرنشینان بیشتر از حاشیه‌نشینان و روستاییان در امور اجتماعی مشارکت داشته‌اند ولی در ایران شهرنشینی باعث تغییر در سبک زندگی و بدنبال آن تغییر در ساختار خانواده شده که این عامل نیز خود یکی دیگر از علل شکل‌گیری بی‌تفاوتی در زندگی اجتماعی شهروندان شده است. تغییر در نوع روابط اجتماعی، تغییر خرده‌فرهنگ‌ها، فردگرایی، کاهش مهربانی اجتماعی در سطح جامعه، کاهش مدارای اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی و افزایش مشغله‌های زندگی که به ضعیف شدن ارتباطات منجر شده است همگی دست به دست هم داده‌اند تا بی‌تفاوتی هر چه پررنگ‌تر در جامعه نمود و بروز پیدا کند. که البته مسئولین بخصوص در دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق کمک هزینه تحصیلی، تشویق دانشجویان نخبه، دادن اعتبار به دانشجویان جهت انجام تحقیقات دانشگاهی، استفاده از تخصص و مهارت دانشجویان مشکل بی‌تفاوتی دانشجویان را کمرنگ کرده و یا حتی با استفاده از قابلیت‌های زیرساختی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (با بدنه فکری)، گسترده‌گی منابع انسانی که دانشگاه آزاد دارد می‌تواند با تبدیل دانش به محصول، پشتیبانی از خودسازی اخلاقی و در نهایت تأمین بلوغ سیاسی دانشجویان را فراهم آورد و همچنین با برنامه‌ریزی، پایه‌های اعتماد اجتماعی را در بین دانشجویان تقویت کنند همدلی و همراهی دانشگاه با دانشجویان در شرایط سخت و دشوار فعلی و برقراری تعاملی مؤثر، پویا و مسئولانه برای کاهش اضطراب و فشار روانی ناشی از پیامدهای شیوع بیماری کرونا، شناسایی و غربالگری دانشجویان از جنبه‌های مختلف همچون روان‌شناختی، تحصیلی، اقتصادی و ارائه خدمات تخصصی در جهت رفع مشکلات و حل مسائل دانشجویان می‌تواند در جهت تقویت حس اعتماد موثر باشد. شاید محوری‌ترین مؤلفه در بازسازی اعتماد همین «حس ناامیدی از عملی‌شدن وعده‌ها» باشد. مسئولین دانشگاه و یا بطور کلی در کل جامعه می‌توانند در کوتاه مدت این

حس را تغییر دهند و در طول زمان از بین ببرند. عملی کردن حرف‌ها و وعده‌ها هر چند راهی سخت و دشوار است، ولی کلید اصلی بازسازی اعتماد عمومی است.

منابع:

- ادهمی، عبدالرضا؛ صفاریان، محسن؛ مرادی، علی. (۱۳۹۹). شناخت رابطه بین فردگرایی و محرومیت نسبی با بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه). فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، دوره: ۲۱، شماره: ۴۹، صص ۲۸۷-۲۵۵.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۴). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته و سنتی. ترجمه: مریم وتو، تهران: نشر کویر.
- بشریه، حسین (۱۳۷۸). دیباچه ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نگاه معاصر.
- تاج‌الدینی، حمید؛ انصاری، ابراهیم (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهر اصفهان). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۱۷۸-۱۶۱.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک (رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۷). درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه: باقر پرهام، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- زیمل، جورج (۱۳۹۷). مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی. ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۰). روانشناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- صداقتی‌فرد، مجتبی. (۱۳۹۲). بی‌تفاوتی اجتماعی. (معناکاوی، بنیان‌نظری، سبب‌شناسی). اصفهان، بهتا پژوهش.
- صداقتی‌فرد، مجتبی؛ محسنی‌تیریزی، علیرضا؛ (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی). جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، صص ۲۲-۱.
- ظهیری‌نیا، مصطفی؛ فاطمه، گلابی؛ رحیم، هدایت‌یورق. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل مؤثر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی. مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، شماره ۴۵، صص ۱۲۱-۸۶.
- عنبیری، موسی؛ غلامیان، سارا. (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره دوم، صص ۱۳۳-۱۵۹.
- عنبیری، موسی. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران، نشر نزدیک.

تحلیل جامعه شناختی تاثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی..... ۷۹

- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۸۲، صص ۱۱۹-۱۸۲.
- کلانتری، صمد؛ ادیبی، مهدی، ربانی، رسول؛ احمدی، سیروس (۱۳۸۶). بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن. دو ماهنامه دانشگاه شاهد، سال چهاردهم. دوره جدید، شماره ۲۲، صص ۳۵-۲۷.
- مایلز ایستون و مالکوم مایلز. (۱۳۹۲). شهرهای مصرفی. ترجمه: مصطفی قلیچ و محمد حسن خطیبی بایگی، تهران: انتشارات تیسرا.
- مرتین، رابرت. (۱۹۶۹). مشکلات اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناختی. ترجمه: نوین تولایی، تهران: نشر امیرکبیر.
- نادری، حمدالله؛ بنی‌فاطمه، حسین؛ حریری‌اکبری، محمد. (۱۳۸۸). الگوسازی ساختاری رابطه بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۴، صص ۶۰-۲۹.
- نراقی، یوسف. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی و توسعه. چاپ سوم، تهران: نشر فرزاد.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۷). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل (با اصلاحات). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- یان، کرایب. (۱۳۹۳). نظریه‌های اجتماعی مدرن. ترجمه: عباس مخبر، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه.
- Bogen, Rachel & Marlowe, Jay. (2017). Asylum Discourse in New Zealand: Moral Panic and a Culture of Indifference, *Australian Association of Social Workers*, pp, 1-22.
- Chen, J & Zhong, Y. (3333). *Mass Political Interest (Or Apathy) In Urban China Communist and Post C-Communists Studies*, Vol 22.
- Dean, Dwight. G. (2008). *Alienation and Political Apathy. Social Force*, Vol 88, No3.
- Jessica M.F. and Lindsay C.K. (8888). Social isolation and loneliness in later life: A parallel convergent mixed methods case study of older adults and their residential contexts in the Minneapolis metropolitan area, USA, *Social Science & Medicine*, Vol. 888 pp, 55-33.
- Lipset, Seymour Martin. (1963). *Political Man the Social Bases of Politics*. Anchor Books, New York.
- Sarfaraz, A, Ahmed, sh. (2222). Reasons for political interest and apathy among university students: A Qualitative study. *Pakistan journal of social psychology*, vol 00, no, 1, 11-77.
- Southwell, P.L. (3333). *The Politics of Alienation: Nonvoting and Support for Third-Party Candidates Among 88-00 Years Old*. The Social Science Journal, Vol; 00, PP: 99-777.
- Seeman, M. (9999). On the meaning of alienation, *American sociological review*, vol 44.

۸۰... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال شانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

Simons, R. L., Congr, R. D., Whit Becht, I.B. (2007). *A Multistage Social Learning Model of Influences of Family and Peers upon Adolescent Substance Abuse*. *Journal of Drug Issues*. 88, 333-555.

Tabachnick, B G, & Fidell, L S. (7777). *Using multivariate statistics*. (55th ed). Boston: Pearson/Allyn & Bacon.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی